







روانشناسی

لذت و زحمت کار؟

از آقای علی آبر کمالی

«... پس از تمام کردن دانشگاه در یکی از بانگها توانستم کاری پیدا کنم و هنوز هم با آن مشغول ولی از همان ماه اول احساس کردم که از این کار خسته می شوم... کار من دائم با رقم و عدد است و هر روز با جمع و تفریق و ضرب و تقسیم سروکار دارم و بکلی روحم لذت این کار بیزار شده است... چه کنم که بکار خود علاقمند شوم؟»

تهران - م. م. رشیدی



یکی از روانشناسان می گوید: «کار دشوار برای کسیکه با حوصله و توجه تمام آنرا انجام دهد، لذت بخش میشود... آیا این نکته کافی نیست که نظر ما را نسبت به دشواری کار عوض کند؟ مسلم است که کار کردن بخود خود ملال انگیز نیست و آنچه کار را خسته کننده می سازد، انجام دادن آن با بی میلی است و البته وقتی کار را برای رفع تکلیف انجام دهیم، زود از آن خسته می شویم.»

کار وقتی با میل و اراده انجام شد، بهسوی پیش برود و پیشرفت کار برای انسان لذت می آورد... شما اگر از کار خود شکایت دارید و هنگام انجام دادن آن احساس ناراحتی و خفقان میکنید، هر چه بیشتر درباره ی میلی خود بکار بیندیشید و کار خود را بصورت هیولائی بنظر آورید، ازدادۀ آن عاجز تر میشوید... چاره اینستکه با میل و اراده، کار را شروع کنید و در حین انجام دادن آن بکوشید درباره ی هیچ چیز دیگری بیندیشید و تمام حواستان را بکار بدهید و سعی داشته باشید جنبه های مشغول کننده و لذت بخش آنرا - که بیشک در هر کاری وجود دارد، بدست آورید... باین توجه و تمرکز، حواس و علاقه با انجام دادن کار است که کار از صورت ملال انگیز بیرون می آید و باسانی انجام میشود و شما از گردش و پیشرفت آن لذت ببرید.

از «ل. سینکلر» مدیر کل شرکت نفت «اسو» که کار خود را از پایین ترین درجات یعنی از وظیفه باز کردن سر باکتها شروع کرد و مقام مدیریت کل شرکت رسید، درباره ی راز کلیبایش پرسیدند؛ او این هفت نغمه را که همیشه طبق آن وقتدار کرده است، جواب داد:

- ۱- کار را همیشه دوست داشته ام و همواره با شور و علاقه فراوان کار کرده ام چه در آن روزگار که سرپاکت باز میکردم و چه امروز که مدیر کل شرکت هستم، از کار بطور یکسان لذت برده ولذت میبرم؛
- ۲- همیشه سعی داشتم کار را بقیه در صفحه ۶

لك و پیمانی چهره

دکتر طهورت فروزین

اگر میخواهید بدانید این بیماری چقدر انسان را ناراحت و ملول میکند بهتر است چند دقیقه باخانتان که به آن دچارند صحبت بکنید و ملاحظه کنید چطور برای برطرف کردن این لکهها حاضرند به بردی بزنند، هر دستوری را بکار بزنند و حتی بعضی از آنان که نتیجه ای از مداوای خود نگرفته اند دست بدامان این پیرزن و آن همسایه میزنند و با مالیدن چیزهای امثال: «اشکامو»، «شیردشت»، «کف دریا» و غیره میکوشند که از شر این لکه های سمج آسوده شوند.

لك و بیس چهره چهل گوناگون ایجاد می شود که معمولا در آنها اختلافات غده فوق کلیوی (غده کوچکی است بالای کلیه ها که مدام از خود موادی داخل خون ترشح میکند) اختلافات کبدی و اختلافات پوستی دخالت دارند که هر چند ادامه یافته و شدیدتر شوند لك و بیس چهره نیز زیادت و پر رنگ تر می شود.

البته در بعضی از موارد طبیعی مانند ایام آستنی نیز لکه های بر روی صورت ظاهر میشوند که بیشتر مربوط به تنبلی و بدکار کردن کلیه ها بوده و با پر هیز از رنگ و خوردن سبزیجات و میوهجات مدر و بالاخره پس از انجام آستنی لکه های مذکور خود بخود برطرف میگردند. بهر صورت برای درمان لك و بیس برخلاف آنچه خانها خیال میکنند بایستی به اطباء کار آزموده مراجعه کرد. پس از آزمایشات مکرر و گوناگون از خون و ادرار، بالاخره منشاء علت اساسی آنها را کشف نمود.

بهر صورت در اختلافات غده فوق کلیوی که در آن علاوه بر پیدایش لکه های گوناگون در چهره بیمار علائم دیگری مانند کمی یازبازی قشارخون، بی نظمی قلب، بی اشتها، ضعف و سستی زیاد نیز مشاهده میشود بایستی بسیار ترکیباتی که باعث تقویت و تنظیم غده فوق کلیوی شود تجویز کرد که در بازار انواع و اقسام اسپسیالته های که دارای شیره غده فوق کلیوی باشند وجود دارد. علاوه بر این میتوان بسیار A.C.T.H. که ماده ای محرک کیسول فوق کلیوی است تزریق نمود این بیماری را باید از لکه، قند، کوشش زیاد پرهیز کنند.

در اختلافات کبدی، بسیار بایستی آب میوه و آب سیب بجات خاص بخصوص جعفری زیاد نوشند. بجای روغن های حیوانی روغن نباتی مصرف کنند. از خوردن زردچوبه حتی بقادر بسیار کم خودداری نمایند. بایستی سعی کنند که هیچوقت به پیوست مزاج دچار نشوند. بسیار بایستی هر روز یکی دو لیوان آب معدنی بنوشند، داروهای محرک ترشح صفرا میل کنند.

و اما در مواردیکه پوست دچار اختلالاتی است بایستی حتی المقدور از آفتاب پرهیز صورت خود را با صابون نشوید از توالنات چهره مخصوصا مالیدن به درجه اول خودداری نماید. تا میتوانست موادی از قبیل زرده تخم مرغ بقیه در صفحه ۶

اطلاعات

چشم هفت چشمی

مریم خانم تاحالا یازده مرتبه کربلا رفته و من فقط هفت مرتبه مشرف شده ام. سالی یکبار من میروم اما او هم روزی «چشم هفت چشمی» سالی یکبار مشرف میشود و همیشه دوسفر از من جلو تراست...

خاتم ش... السلطنه از این موضوع سخت ناراحت بود و در پی وسیله ای میکشید که «دوباد یکی» کند و وسیله ای یابد که یک سفر او دو تا محسوب شود. من یک حساب ذهنی تقریبی از مخارج این «چشم هفت چشمی» کردم رقم عجیبی میشد که نیدانم شوهر بی نوا و که از دار و ندار دنیا فقط یک خانه و یک لقب برایش مانده چطور این بار را بردوش میکشید. این «چشم هفت چشمی» همیشه میان خانها وجود داشته است ولی امروزه باین گرانی زندگی وضع بدوجه ها زشتی آن آشکارتر میشود.

سابقا قابت سر پیراهن و چادر سیاه و رفتن حضرت عبدالعظیم بود و تفاوت قیمت چادر خوب و چادر بد آقدرها طاق فرسایتود و مسافرت حضرت عبدالعظیم هم بیکرت وجود ترن سریع البیر «تهران» حضرت عبدالعظیم» اگر کاهو و ماست کوزه ای سقواتی و ماشین حلبی برای بچه هارا بحساب بیاریم از یک تومان تجاوز نمیکرد ولی حالا رقابتها در اطراف ایشانی دور میزند که قیمت یکی از آنها مساوی تمام محصول کاهو و ماست حضرت عبدالعظیم است و مسابقه مسافرتی هم از حضرت عبدالعظیم بشیران و از آنجا براسر و بعد بیروت و پاریس و نیویورک کشیده شده است.

چند وقت پیش یک دوست جوانم را دیدم که بنگاه های معاملات ملکی را زیر پا میکشاد که خانه اش را بفروشد و زرش را ببرد. میگفت که راه دیگری ندارد باید زرش را طلاق بدهد و با او اطلاق بیاریس ببرد. خواهر خودش را من و نفرین میکرد و میگفت که از وقتی او صحبت از «کالی لافایت» کرده است زخم میخواند منم چشم مرا دریاوردم که بجهت او را که از نظر بهتر از خواهرم است بیاریس نسیرم. بجای بر حرفی صبر کنید تا یادم زرت، ما جرای سید اسدالله خان و زرش را برای شما حکایت کنم.

حالا شما هم لابد ایراد میکنید که چقدر یاد این و آن می آتی. مثل آن خانی که چند روز پیش در مجلس میگفت: من نوشته های شاردا میخوانم نیدانم چرا همه این بدبختی ها سر شما می آید. باشاهد آن منبند کفتم و این از قلب يك وصفای باطنم است که هر وقت کسی از دستم بر آید ضایقه نمیکند.

بدی خانم زن سید اسدالله خان قهرمان سنگین وزن «چشم هفت چشمی» است و تمام فکر و خیالش اینست که میبازد عشرت الملوك جاری او لباسی بهتر از لباس او بپوشد یا کاری کند که او تکرده باشد. خدا کند با دعای به بدی خانم خبر برساند که عشرت الملوك جواهر تازه ای خریده است! پارسل این چشم هفت چشمی بین دو جاری بستهای شدت خود رسید. عشرت الملوك یک دسته از موی سر خود را سفید کرده بود. دوروز بعد دیدم بدی خانم هم نصف جلوی زلف را برنگ سفید در آورده است. عشرت الملوك در مقام انتقامجویی عین پیراهن آبی کلداری را که بدی خانم برای شرکت در یک عروسی فامیلی دوخته بود برای خود دوخت. اما بدی خانم دو سه ساعت قبل از شروع جشن از ماموق مطلع شد، خودش پیراهن دیگری پوشید و پیراهن آبی کلداری تن سکنه سلطان کفشت کلیایگانی خود کرد و او را همراه خود جروسی برداشت کار به غاشی شد بدی خانم و دو جاری با هم قهر کردند، دو سه ماه بعد بواسطت من وعده ای از آشنایان با هم آشتی کردند، روابط بهبود یافت

تا اینکه چندی قبل، يك شب عشرت الملوك بناست قبول شدن پسرش در امتحان کلاس یازده در منزل خود میمانی دادوددر مجلس مهمانی پسر عشرت الملوك چندیت شمری که در باره عظمت مقام دیران و فوائد درس خواندن سروده بود خواند و برایش دست زدند.

از فردای آنروز بدی خانم روز میداستدله خان را سیاه کرد که آنها هم برای نمتاؤه پسرشان جشن بگیرند و باقی حرف خود را بگری نشاند. فقط چون نمتاؤه درس هفده سالگی هنوز در کلاس هشتم درجا میزد و نتیجه امتحانش هم معلوم نشده بود جشن را بناست قبولی او در نلت اول گرفتند. شب جشن بدی خانم مرا بکناری کشید و نتواش کرد که اداسط مجلس از نمتاؤه خواهش کنم شمرش را بخواند. یک ساعت بعد به پیشنهاد من نمتاؤه کاغذی از جیب بیرون آورد و بخواند نندن شمری که باجته شب بیخوابی و گرفتن صله پیشکی از پدر و مادر و کمک از دوستان شاعر پیشه خود سروده بود شروع کرد:

چون مرغ شزده در جستجوی بوسه ها رفتیم تا جزیره گنم يك هوس آجا صدای بوسه ما ریخت در سکوت (با فریاد) آی دختر دهاتی! چشمهایت را ببند تا تشک کال لبث کیود از بوسه های من گردد.

و اینک مرا بیخش بر کرد و بای کوب سر این فسانه ها در برین روشن سوکنه برده دوز. آی دختر دهاتی! چشمهایت را ببند تا تشک کال لبهات کیود از بوسه های من گردد...

من بزحمت جلوی خنده خود را میگریتم چون از چکامه اش چیزی نمی فهمیدم ولی صعب این بود که وقتی نمتاؤه شمرش را میخواند همه نظر ها متوجه من بود مدعوبن تبسم لب، مرا نکسای می کردند. واقعا ناراحت شدم. تابت پنجم تبسم ها رو بکشدی میرفت ولی بعد از آن تابت ششم و هفتم کم کم لبخندها معو شد و جای خود را بنگرانی داد. وقتی نمتاؤه برای آخرین بار فریاد کشید: «آی دختر دهاتی! چشمهایت را ببند تا تشک کال لبهات کیود از بوسه های من گردد» نگاههای آنها وحشت زده شد. برای او دست زدند اما نگاه از من برنداشتند. از اطراف من جای و شیرینی وسبیکار تعارف کردند و بقدری ناگهان بامن مهربان شدند که فوق العاده ناراحت شدم و بیباهای از اطلاق بیرون رفتم. بعضی خروج من نجوای آنها شروع شد. شنیدم که یکی از آقایان من مجلس میگفت:

- این بیچاره چرا اینطور شده؟ این جوان عقل و کمالش درست بود. نیدانم از کی خنل شده! و دیگری اظهار عقیده میکرد:

- از همان وقتی که آن تصادف برایش پیش آمد کرد مثل اینکه يك کمی مغزش تکان خورده. تا باطاق برگشتم همه ساکت شدند و ابراز محبت نسبت بین دوباره شروع شد اجازه مرخصی گرفتم همه موافقت کردند و گفتند که بهتر است بروم استراحت کنم

یکی از آشنایان بانق من خارج شد ما وقع را از او پرسیدم گفت: - عشرت الملوك قبلا خبر شده بود که نمتاؤه میخواهد روی چشم هفت چشمی پسر او شمر بخواند و برای اینکه او را خف کند بجه مدعوبن گفته بود که شمرش را تو برایش گفته ای و اینها منتظر يك قصیده قافآنی وار بودند و شمر تو نو بود فکر کردند تو يك کسی... اهمیت نده اینها شعور شمر فهمیدن ندارند!

ز: ابرج بر شک زاد

او بپولی سفیر ترکیه نشسته است. سفیر يك همایه سبز سردارد و... ناکهان لب فروبست زیرا در محوطه جلوی کلیسا موکب پاپ نایان شد. يك گروه سرباز در جلو حرکت میکرد بداز سربازان معافظین مخصوص و پشت سر آنها يك کشیش که سوار خربود و صلیبی در دست داشت دیده میشدند. زن مارشال برتیه آهسته گفت: - این خردا کرابه کرده اند و «دبر تو» میگفت که روزی شصت و هفت فرانک خرج آن میشود. زن با نیتش بقیه خندید. بعد نوبت بخود پاپ رسید. کالسه او را ش اسب خاکستری رنگ میکشیدند. کالسه متعلق به امپراطریس بود و موقتا در اختیار او گذاشته بودند. پاپ مستقبا وارد یکی از اماطها شد و ما توانستیم نسبت با مراسم احترام بجا آوریم. باعجله خود را به زینت های مخصوص مزین کرد و از اطراف خارج شد و در حالیکه عده ای از روحانیون همراه او بودند آهسته بطرف در ورودی کلیسا رفت. جمعیت تماشاچیان در میان سکوت عمیقی چشم پاو دوخته بودند. زنها بعضی دین و زانو میزدند و لی مردها اغتای زیادی تیکر کردند، حتی عده ای از آنها کلاه از سر برداشتند. ناکهان پاپ ایستاد چیزی گفت و بالای سرجوانی که در صف اول تماشاچیان ایستاده و سر را بالا نگه داشته بود با حرکت انگشت صلیبی رسم کرد بعد شنیدیم که پاپ به همت در آن لحظه باین جوان و سایر مردانی که زانو زده بودند تسیسی کرده و گفته بود: «کمان نیتکم دهی يك بمرمرد ضرری بکسی برساند...» اندام بپسیده در قیام سفید پاپ از نظر ما ناپدید شد و کارندانشا بالیاس های فرمز خود مثل موجی جمع شدند و بدتال او روانه کلیسا شدند. من پرسیدم: - الان در نوتردام چه خبر است؟ یک نفر توضیح داد که بعضی زورود پاپ دست «کور» يك آواز کوتاه میخواند و پاپ روی تخت مجلی که سمت چپ محراب جاده اند، می نشیند. یک نفر دیگر گفت: - حالا دیگر امپراطور نباید دیر کند. اما امپراطور یک ساعت دیگر اهلای پاریس، سربازان و مدعوبن و پیشوای

کارن نویسنده اخبار سینما

آخرین خبر واصله حاکی است فیلم هائی که در ماه دسامبر گذشته پرفروش تر از سایر فیلمها در سینماهای کشورهای متحده شناخته شده و صاحبان سینماها لیست آنها را تهیه نموده اند. بقرا زیر میباشند:

- ۱- مردان و عروسکها (متروکلدوین مایر)
- ۲- تعطیلات سینه راما (ایندو بندنت)
- ۳- تله نرم (متروکلدوین مایر)
- ۴- تارانتولا (یونیورسال اینتر ناسیونال)
- ۵- عقیبان بدون علت (وادرز)
- ۶- کلاد بزرگ (یونایتد آرتیست)
- ۷- صبح بخیر میس دوو (فوکس قرن بیستم)
- ۸- شیر آفریقا (یونایتا)

«نورمن کری» هنرپیشه فیلم های تهرمانی سینمای صامت بز که در آلمان شهرت زیادی داشت و مورد علاقه مردم بود هفته قبل در لوس آنجلس در انتر يك بیامی متد در سن ۶۰ سالگی در گذشت. وی زمانی هم از طرف دولت فرانسه در قسمت های مستمراتی فرانسه در شمال آفریقا جزو لژیونها بود و خدمات درخشانی در ادشش فرانسه داده.

«جک وادرن» از کبانی «برادران وادرن» اطلاع میدهد که برای نقش «ژنرال پارس» در فیلمی که اخیرا از زندگی این ژنرال معروف آمریکائی تهیه خواهد شد «لوید نولان» هنرپیشه مشهور قدیمی در نظر گرفته شده است.

تهیه کننده و کارگردان این فیلم «مرین له روی» است و شروع بقبلبرداری آن در هفته قبل آغاز شد. «نولان» که اخیرا از بازی در فیلم «سانتیاگو» که با شرکت «آلن لاد» و «روسا ناپودستا» تهیه گردید فارغ شد برای فیلم جدید خود که «بطرف مقصد ناشناس» نامدازد بایستی تحت تشریفات زیادی قرار گیرد و فنون رزمی و هوای را فرا گیرد و چون ژنرال «پان» از افسران زنده نیروی هوائی بود و خدمات و ماجراهای عجیب او در دوران کارش مورد توجه دولت کشور های متحده بود بنا بر این نیروی هوائی آمریکائی تهیه کنندگان فیلم تمهید کرده که کلیه کیک های لازم را جهت امور این فیلم انجام خواهد داد. بطور کلی فیلم «بطرف مقصد ناشناس» از فیلم های مهم سال ۱۹۵۴ خواهد بود.

فیلمهای جدید راپسودی (متروکلدوین مایر) جیس گت (جان ادیسون) که سابق بر این در خدمت ارتش بوده است به زور بخ می آید و جهت فرار گرفتن بیانو وارد یکی از کنسرواتواری موسیقی میگردود و آنجا ضمن تهرین موسیقی عاشق لوییز دورانت (الیزابت تیلور) دختر یکی از ثروتمندان (لوی کالهرن) میشود و بای چندین مرتبه ملاقات بعمل میآورد اما «لوییز» دارای نامزدی است بنام بل برتته (ویتور یوگاسن) که وی نیز از دانشجویان همان کنسرواتوار میباشد. جیس که دیوانه وار بشق «لوییز» گرفتار شده حاضر میشود بضاظر ازدواج بای او از کار موسیقی دست بکشد و چه عروس آنها بزودی صورت عمل بخود میگردولی چون دارای توافق فکری و اخلاقی نیست پس از مدتی از یکدیگر جدا میشوند. «لوییز» که هنوز بل برتته را دوست دارد بعد از اطلاق از جیس دو باره بقیه در صفحه ۶



ویتور یوگاسن و الیزابت تیلور در فیلم رنگی درام کلاسیک «راپسودی»

منهیبی میبایان را در انتظار گذاشت. عاقبت شلیک توپها حرکت امپراطور را از خاک توبرلی اعلام کرد. نیدانم چرا ناکهان صداها خوابید. همه بطرف آینه ها هجوم آوردیم. مارشالها مدهای سینه و بلوزهای آبی و طلای خود را صاف و مرتب کردند و بیخشدمتها دستور دادند که شتل های آبی را روی شانه های آنها بیاندازند. وقتی من بود بصورت هم میزد منسب متوجه شدم که دستهایم میلرزید. صدای مثل صدای وزش باد و طوفان از دور بگوش رسید. کم کم این صدا نزدیک میشد و وقتی خیلی نزدیک ما رسید توانستیم آنرا تشخیص بدیم: «زنهد باد امپراطور! زنهد باد امپراطور!»

مورا، حاکم نظامی پاریس با او نیفومر برنزلو خود و پشت سر او سواران ظاهر شدند. بعد از آنها صاحبان سوار بالیاس های مغل که روی آن عقابهای طلایی دوخته شده بود پیش میآمدند. این صاحبان سواران چوبستهای بدست داشتند که روی آنها زینور هائی از طلا نصب شده بود من با حیرت چشم باین لباس های مجلل دوخته بودم. فکر میکردم که چندسال پیش میخواستم با پول جیبم برای او يك او نیفومر بخرم. کالسه های زرین، که هر کدام را شش اسب میکشیدند، یکی پس از دیگری جلوی کلیسا ایستادند.

دبر تو از کالسه اول و آجودانهای امپراطور از کالسه دوم پیاده شدند. بعد وزرا رسیدند و بعد از آنها برنسس های امپراطوری از کالسه ای که روی آن تصویر زینور های طلایی نقش شده بود پیاده شدند. برنسس ها همه لباس سفید برتن داشتند و سنجاق های جواهرشان در میان زلفهای آنها دیده میشد. زولی باعجله بطرف من آمد و دستم را فشرد انگشتمشای بخ کرده بود. با همان لحن صدای مامان گفت: - سخا کند آبرو برزی نشود. من آهسته گفتم: - مواظب نمتاوت باش. خیلی کج شد

کالسه امپراطوری مثل يك خورشید در هوای خاکستری رنگ این روز زمستانی طلوع کرد.

# کار ورزشی

## کار ورزشکار عطا...



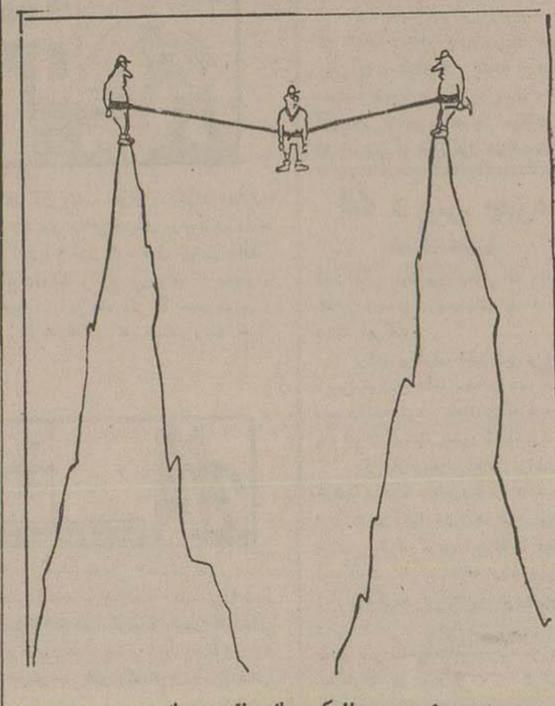
اورا در زمین امجدیه، هنگام مسابقات دو میدانی آموزشگاهها و باشگاهها و یکبار هم در اردوی پیشاهنگی درمنظر به دیده بودم.

رقاش اورا «عطا» میگفتند، بعدها فهمیدم اسمش عطااله است و کارش روزنامه فروشی.

وقتی در خیابان برای فروش روزنامه هایش دادمیزد، اورا صدا زدم و گفتم: میخواستم چند دقیقه با هم صحبت کنیم. گفت: حالا که سرچراغ است، بعد خدمت میرسم... «عطا» نشستم، در روز بعد با «عطا» صحبت کردم. یک چای خوردیم و دو کلمه صحبت کردیم.

عطااله فرخ پور که مثل هزارها جوان ورزشکار ولی محروم ما یک دنیا استعداد در وجودش نهفته دارد. در کرگان چشم بدینا کشود ولی آنقدر که بیاد دارد هنوز سیمای پربرم پندرا درست ندیده بود که پدرش چشم از دنیا فرو بست و دیگر یادش نیست چه شد و حتی درچه تاریخی راه تهران را پیش گرفت، خودش میگوید شاید در سال ۱۳۲۲ یعنی همان سالی که شهرستانها در آتش ناامنی میسوخت و شهرستانها پلهران هجوم میآوردند، با مادر و برادر خواهرم روانه تهران شدیم. عطا که در میان رقاش هم محبوبیت دارد سال دوم دبیرستان ابو مسلم را طی می کند و چون مغارج کرشکن خانه یعنی مادر و دیگران را هم بمبده دارد بیض آنکه کار مدرسه اش تمام میشود دسته ای روزنامه و مجله زیر پشلی گذاشته بر روزنامه فروشی مشغول میشود.

فرخ پور از آقای سکاکی دبیر ورزش خود به نیکو یاد میکرد و میگفت در ورزش ایدالی من که دو میدانی است. امیدوارم تشویق مریان و دوستانم مراد در انجام هدفم که میل ببقام قهرمانی است مدد کنند. فرخ پور مخصوصا از آقای احمد ایزدپناه یاد میکرد و میگفت که هر تقاضای هم داشته ام انجام داده و دیگر ورزشم آقای سکاکی مرا امیدوار ساختند که بتوانم بزودی ببنویسم نایل آیم. البته همت خودم نیز شرط است و من این همت را در خود سراغ دارم زیرا از کودکی که پدرم را از دست دادم ناچار بوده ام برای تحصیل نان همت نمایم. عطااله فرخ پور از نداشتن وسایل ورزش و عدم تمکن مالی که حتی مانع از آنست که بتواند برای تریپها و مسابقات در خارج از کشور برود ناراحت بود و عقیده داشت در این سه سالی که برشته دو میدانی وارد شده شریف ترین خاطرهای آنوقتی است که در دبیرستان مقام پنجم را بدست آورد و همین امر باعث تشویق او برای روزهای بعدی نایل به موفقیت های بیشتری شده. اینهم کار و محیط زندگی یک ورزشکار قهرمان آینده ما!



بدون شرح - پس از کسب يك موفقیت بزرگ.

## باسکتبال قواعد آن

از مارسل برژه رئیس انجمن نویسندگان ورزشی فرانسه

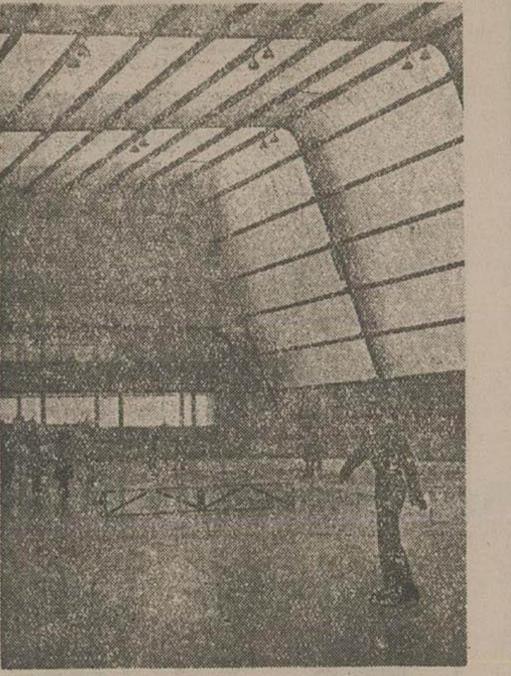
کسانی که از سن آنها تقریبا سالیان دراز گذشته است و با ورزش سروکار داشته اند شاهد ترقیات و تحولات تدریجی ورزش دنیا و مفید باسکتبال بوده اند. این ورزش که امروزه ما شاهد تکامل آن میباشیم در دوران گذشته باین صورت و نحوه نبوده و یک ورزش ناقص بشمار میرفته است. اولین فرم این ورزش باین صورت بوده است که دو دسته برای بست آوردن توپ بسا یکدیگر رقابت نموده و سعی میکردند که آنرا در کسبه ای که به شاخه درختی آویخته بودند بیندازند. این کسبه که آنرا به یک شاخه نزدیک بر زمین آویخته بودند در حقیقت همان تور مخصوص باسکتبال میباشد که رفته رفته بشکل فرم امروزی درآمده است.

امروزه همان بازی مقدماتی و ناقص که یکی از وسایل آن شاخه درخت بوده است یکی از ورزش های بسیار مهم جامه ورزشکاران شده و ما هر روز ناظر مسابقات جهان میشویم. این ورزش بر شراط برخلاف بسیاری از ورزشهای رایج عاری از هرگونه خشونت است و اگر ما میبینیم که مثلا بین دو دسته اختلافی در این زمین پیش میآید این اختلاف ناشی از قوانین آن نبوده و از موضوع داوری سرچشمه میگردد.

اشخاص مبتدی بواسطه آسانی بکلاسستن قواعد آن زود باین ورزش خو میگیرند. در مقابل ورزشکاران کارآموز که سالیان دراز بآن مشغول بوده اند از غواض آن باخبر میشوند. در این مورد کارآموزی و مهارت فوق العاده ای لازم میباشد. این ورزش حاوی مسائل روانشناسی و شاید بتوان گفت هندسی - و تا حدود زیادی تمدد اعصاب است که باسکتبالیستهای ماهر از آن باخبر هستند.

در اوایل ابداع باسکتبال قواعد مشکلی در آن وجود داشت که رفته رفته تعدیل گردید. باسکتبالیست امروزه هنگام بازی از آزادی کامل برخوردار است. اما باید دانست که این آزادی محدودی داشته و وی میتواند از نقاط ضعف حریفان خود استفاده نماید و تکنیک خود را بکار بندد. بین باسکتبال و شطرنج از لحاظ تکنیک بازی وجه تشابه کاملی وجود دارد. یعنی همانطور که میتوان در بازی شطرنج از حیل های خاصی برای برانورد آوردن حریف استفاده نمود در باسکتبال نیز میتوان تدابیر و حیل های بکار برد و نقاط ضعف رقیب را درک کرد. بقیه در صفحه ۶

## خبرهای ورزشی از سراسر جهان



### پست یخ بازی جدید بولونی (فرانسه)

ورزشکاران فرانسوی هنگام انجام مسابقات قهرمانی روی یخ نیس با ۲۹ امتیاز اول و تیم لاس که ۲۸ امتیاز دوم و تیم دنس با ۲۶ امتیاز سوم گردیده اند. یک رکورد تازه پرش ارتفاع در کورنور در بروکسل و یکسر تبه در پاریس انجام میگردد. در مسابقه اخیر که بین این دو تیم مسابقه انجام شد پنجاه هفت به چهل فرانسویها برنده شدند. در این مدت ۲۳ سال گاهی تیم فرانسه و بعضی اوقات تیم بلژیک برنده میگردد است. و برای اولین بازی است که تیم ملی باسکتبال فرانسه در بروکسل از تیم بلژیک برده است.

تیم فوتبال مصر بر حیلش غالب شد در مسابقات بین المللی فوتبال برای تعیین شرکت کنندگان در تیمهای المپیک تیم فوتبال مصر چهار بر یک بر تیم حیلش غالب آمد. قرار است مسابقه فینال بین این دو کشور بزودی انجام شود و برنده آن قهرمان ناره آفریقا بوده و در المپیک ۱۹۵۶ نماینده آن قاره خواهد بود.

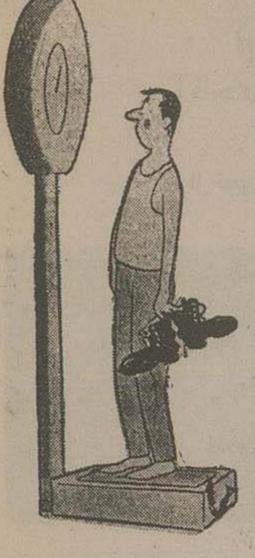
### مسابقات فوتبال قهرمانی کشور فرانسه در نتیجه مسابقاتی که بین باشگاه های کشور فرانسه انجام گردیده تیم

ساده ترین راه تهیه مایوی شنا در یک باغ وحش مایوس شاه با لامیانداخت. نابلتون پشت بانها داشت و خود را در آینه تماشا میکرد. باطراف چشمها چین انداخته بود مثل اینکه میخواست از دریچه چشم دیگری خود را ببیند. یاد آمد که میگفت: «تاج شاهی فرانسه بر زمین افتاده است. کافی است کسی خم شود و آنرا بردارد.» به، نابلتون خم شد و آنرا برداشت. منتظر چه هستیم دبر تو؟ صدای نابلتون حکایت از بی حوصلگی او میکرد. - علیحضرتا، قرار بود خانم مادر تان در پیشانی صف حرکت کند ولی... لونی گفت: - مادرمان نیامده است. شادی شیطننت آزمیزی در صدای او احساس میشد. نابلتون کاغذ پشت کاغذ برای مادرش به ایتالیا فرستاده و از او خواهش کرده بود که برای شرکت در مراسم تاج گذاری در پاریس حاضر شود. عاقبت مادام لسی سیا نتوانسته بود در مقابل اصرار او مقاومت کند. از پسرش لوسین که هنوز در تبعید است اجازه گرفته و بر آه افتاده بود. نابلتون با آرامی گفت: - خیلی مناسبم؛ ولی پیش از این نمیتوانم منتظر بشوم حرکت کنیم دبر تو صدای شیپورها بلند شد صاحبصنایان آهسته بطرف «نوردام» بر آه افتادند و خدمتگزاران کاخ امپراطوری بالاسهای سیز با آنها ملحق شدند. سپس نوبت دبر تو رسید تشریفات رسید پشت سرواشاره هسران مارشالها دو بدو بر آه افتادند. سپس «سرویه» و «مورا» بصرک آمدند. مورا تاج و زوزفین را حمل میکرد. بعد نوبت بین رسید. در محوطه جلوی کلیسای فوق العاده سرد زمستانی بسوتم نمود. من کوسنی که دستمال داتلر روی آن فراداشت بدست داشتم وقتی از جلوی جمعیت که مأمورین کار جلوی آنها صف بسته بودند گذشتم. چند صدای مفرق بلند شد: «زنماد بر نادوت! زنماد بر نادوت!» من چشم خود را به پشت بلوز زری دوزی مورا دوخته بودم. وقتی وارد کلیسا شدم صدای اورکها و بوی عود داشته افکارم را قطع کرد. وقتی باتهای کلیسا رسیدیم مورا ایستاد و کنار رفت و من محراب

یوگوسلاوی و باهراسم دیگری که برای آن میتوان گذاشت این بود که نتوانستند بازی را برنده شوند و بهترین دلیل آن اینست که هفت شوت که احتمال کل شدن آن مسلم بود بچوب دروازه اسپانیولیها خورد.

### نتیجه ای ز مسابقات کاپ قهرمانی فوتبال اروپا

مسابقات قهرمانی کاپ فوتبال اروپا که هنوز ادامه دارد تا بحال تیم هاییکه امتیاز آنها از دیگران بیشتر است در می فینال رسیده است بدین قرار است: (هیسر نیان) از اسکانلند (رم) از فرانسه (مادرید) از اسپانیا و زورز بکشنه ۲۲ بهمن تیم باشگاه وین اطریش و تیم فوتبال میلان ایتالیا باستی باهم بازی کنند در مسابقه قبلی که این دو تیم در وین بازی کردند یک بریک مساوی گردید و در مسابقه بعدی که در میلان انجام میگردد برنده این دو تیم مسابقه تیم چهارمی است که جهت مسابقات دمی فینال خود را آماده می کند و پس از قرعه کشی بین این چهار تیم مجددا مسابقات مهمی انجام می گردد.



قهرمان فراموشکار با ایشهر رژیم گرفتن باهم که اضا نه وزن دادم ۱۱

### دهکده المپیک ملبورن برای مسابقات المپیک آماده میشود

در دهکده المپیک واقع در شهر هایدلبرگ که قرار است مسابقات المپیک در آن انجام گیرد و سیزده کیلومتر از استادیوم اصلی مسافت دارد بیش از ۴۰۰ خانه روستایی در شرف ساختمان است. تقریبا تمام کارهای اصلی ساختمان از قبیل گاز و لوله کشی - آب و فاضل آب با تمام رسیده و اغلب جاده ها نیز ساخته شده است و اسفالت آنها در تابستان آینه با تمام خواهد رسید. سیم کشی برق و تلفن بزودی شروع میشود. قرار است ساختمان تمام این خانه ها در تیرماه ۱۳۳۵ تمام شود. پس از خاتمه ساختمانهای مزبور دهکده ملبورن دارای ۷۰۰ آپارتمان برای ۶۲۰۰ ورزشکار و کارمندو اعضاء خواهد بود.

مسابقات المپیک در روز ۲۲ نوامبر (آبان ۱۳۳۵) شروع خواهد شد. دهکده مزبور که باسم دهکده المپیک ملبورن نام دارد توسط کیسیون وکتوریالست هاسینگ که سالیانه ۳۰۰۰ خانه برای خانواده های استرالیایی میسازد ساخته میشود. پس از خاتمه مسابقات خانواده های ملبورن از خانه های مزبور استفاده خواهند کرد. خانه های که اکنون در شرف اتمام اند از آجر - کاشی و سنت ساخته شده و شامل ساختمانی دو طبقه ای - یک طبقه ای و خانه های تک و اقسام خانه های دیگر میباشد. جزو آنها ساختمانی است که دارای دیوایه خوابگاه و یک نهاد خورجی - آشپزخانه - رختخوابخانه - حمام و مستراح میباشد. هر خانه ای دارای برق - گاز و آب سرد گرم خواهد بود. رختخواب های راحت - میز و صندلی و زیلو و وسا برای دو لایه و رخت کن خواهند بود. هر دو نفر از ورزشکاران در یک اتاق خواهند ماند و در سالن نهار خوری که نزدیک منزلشان است غذا صرف خواهند کرد. در صورتیکه آنها بخواهند دوستی را دعوت کنند آنها را بر ستودانی که در اول قریه واقع است خواهند برد.

هر چند آشپزهای اروپایی برای سالن های نهار خوری استفاده خواهند شد ولی شرکت کنندگان تشویق با آوردن آشپزهای خودشان میشوند تا غذا های که باب سلیقه آنهاست برایشان تهیه شود. صورت غذای دهکده المپیک بکیت ملی المپیک تسلیم خواهند شد تا قبل از شروع مسابقات آنرا تصویب نماید.

در ناحیه مزبور مراکزک رای کارهای بانکی و پست و اطو کشی و لباس شویی - تعمیر کش - آرایشگاه و تسهیلات دیگر فراهم خواهد بود. یک بیمارستان کوچک و دندان سازی نیز برای ورزشکاران وجود خواهد داشت.

بهر ورزشکار و سرپرست تیم روزی تقریبا هشت دلار خواهند پرداخت. این مبلغ شامل روزی سه وعده نهار و شام - نظافت داخلی - پتو ملایف و خرج ایاب و ذهاب بجهل مسابقات و نقاط دیگر خواهد بود.

در حین مسابقات دهکده مزبور دارای تقریبا ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر مستخدم خواهد بود که شامل پیشخدمتها - آشپزها - باغبانها - مهندسی و نجاران - مهندسی برق - محافظین - پاسانها - تلفونی ها - مترجمین و داندگان خواهند بود.

### دهکده المپیک ملبورن

در دهکده المپیک واقع در شهر هایدلبرگ که قرار است مسابقات المپیک در آن انجام گیرد و سیزده کیلومتر از استادیوم اصلی مسافت دارد بیش از ۴۰۰ خانه روستایی در شرف ساختمان است. تقریبا تمام کارهای اصلی ساختمان از قبیل گاز و لوله کشی - آب و فاضل آب با تمام رسیده و اغلب جاده ها نیز ساخته شده است و اسفالت آنها در تابستان آینه با تمام خواهد رسید. سیم کشی برق و تلفن بزودی شروع میشود. قرار است ساختمان تمام این خانه ها در تیرماه ۱۳۳۵ تمام شود. پس از خاتمه ساختمانهای مزبور دهکده ملبورن دارای ۷۰۰ آپارتمان برای ۶۲۰۰ ورزشکار و کارمندو اعضاء خواهد بود.

مسابقات المپیک در روز ۲۲ نوامبر (آبان ۱۳۳۵) شروع خواهد شد. دهکده مزبور که باسم دهکده المپیک ملبورن نام دارد توسط کیسیون وکتوریالست هاسینگ که سالیانه ۳۰۰۰ خانه برای خانواده های استرالیایی میسازد ساخته میشود. پس از خاتمه مسابقات خانواده های ملبورن از خانه های مزبور استفاده خواهند کرد. خانه های که اکنون در شرف اتمام اند از آجر - کاشی و سنت ساخته شده و شامل ساختمانی دو طبقه ای - یک طبقه ای و خانه های تک و اقسام خانه های دیگر میباشد. جزو آنها ساختمانی است که دارای دیوایه خوابگاه و یک نهاد خورجی - آشپزخانه - رختخوابخانه - حمام و مستراح میباشد. هر خانه ای دارای برق - گاز و آب سرد گرم خواهد بود. رختخواب های راحت - میز و صندلی و زیلو و وسا برای دو لایه و رخت کن خواهند بود. هر دو نفر از ورزشکاران در یک اتاق خواهند ماند و در سالن نهار خوری که نزدیک منزلشان است غذا صرف خواهند کرد. در صورتیکه آنها بخواهند دوستی را دعوت کنند آنها را بر ستودانی که در اول قریه واقع است خواهند برد.

هر چند آشپزهای اروپایی برای سالن های نهار خوری استفاده خواهند شد ولی شرکت کنندگان تشویق با آوردن آشپزهای خودشان میشوند تا غذا های که باب سلیقه آنهاست برایشان تهیه شود. صورت غذای دهکده المپیک بکیت ملی المپیک تسلیم خواهند شد تا قبل از شروع مسابقات آنرا تصویب نماید.

در ناحیه مزبور مراکزک رای کارهای بانکی و پست و اطو کشی و لباس شویی - تعمیر کش - آرایشگاه و تسهیلات دیگر فراهم خواهد بود. یک بیمارستان کوچک و دندان سازی نیز برای ورزشکاران وجود خواهد داشت.

بهر ورزشکار و سرپرست تیم روزی تقریبا هشت دلار خواهند پرداخت. این مبلغ شامل روزی سه وعده نهار و شام - نظافت داخلی - پتو ملایف و خرج ایاب و ذهاب بجهل مسابقات و نقاط دیگر خواهد بود.

در حین مسابقات دهکده مزبور دارای تقریبا ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر مستخدم خواهد بود که شامل پیشخدمتها - آشپزها - باغبانها - مهندسی و نجاران - مهندسی برق - محافظین - پاسانها - تلفونی ها - مترجمین و داندگان خواهند بود.

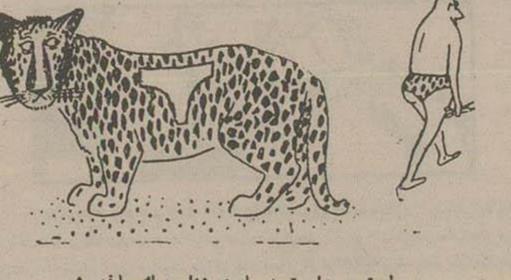
### دودخت زین را دیدم. روی تخت سست چپ پرمردی سفید پوش، ب سحر حرکت مثل یک مجسمه نشسته بود: بابی هفتم دوساعت بود انتظار نابلتون را میکشید.

من کنارمورا قرار گرفتم. ژوزفین که چشمهایش در نور شمعها میدرخشید و تپسی بر لب داشت بطرف محراب رفت و جلوی تخت دو قلوئی سست راست محراب توقف کرد پرس هائی که دنباله شل او را بدست داشتند دست جلوی من بودند. من کردن کشیدم که ورود نابلتون را ببینم. ابتدا «کلرمن» تاج بزرگ امپراطوری وارد شد - مدناز او، «پرینون» باهضای امپراطوری و «لوفور» باشی شارلمانی. سپس ژان بائیت با گردن بند «لویون دونور» و پشت سر او «اودون دو بوآرته» و عاقبت «برتیه» و تالیران و زیر لنگ روا طخارجی ظاهر شدند.

صدای اورکها بلندتر شد. «مارسی» ز دامنواختند نابلتون آهسته بطرف محراب رفت.

ژوزف ولوئی دنباله شل فرمز را حمل میکردند. نابلتون کنار ژوزفین قرار گرفت. بردارن از و مارشالها پشت سر او صف بستند باپ از حار بر خاست و دعا خواند. دبر و اشاره ای به مارشال «کلرمن» کرد. کلرمن جلو آمد و تاج را بیاب تقدیم کرد. مثل اینکه تاج خیلی سنگین بود چون باپ آنرا بزحمت بادستهای ضعیف خود بلند کرد. در این موقع نابلتون شل فرمز را از شانه انداخت. مرادان او آنرا جمع کردند و بدست تالیران دادند صدای اورکها قطع شد.

پاپ با صدای واضعی قومول تقدیس را خواند. سپس تاج را بلند کرد. اما نابلتون سر را خم نکرد. دستهای خود را بلند نکرد و تاج را گرفت و بر سر گذاشت. حضار تکلی خود کردند. نابلتون از مراسم تاجگذاری آنطور که مقرر شده بود تخطی کرده و خودش تاج بر سر گذاشته بود صدای اورکها دوباره بلند شد. «لوفور» ششیر شارلمانی را بطرف امپراطور دواز کرد، ژان بائیت حسابیل «لویون دونور» را بگردن او انداخت، «پرینون» صدای امپراطوری را بدست او داد و تالیران دو باره شل فرمز را بدوش او انداخت. امپراطور آهسته از بله های تخت خود بالا رفت ژوزف ولوئی که دنباله شل را بدست گرفته بودند در دو طرف تخت قرار گرفتند.



ساده ترین راه تهیه مایوی شنا در یک باغ وحش

دودخت زین را دیدم. روی تخت سست چپ پرمردی سفید پوش، ب سحر حرکت مثل یک مجسمه نشسته بود: بابی هفتم دوساعت بود انتظار نابلتون را میکشید. من کنارمورا قرار گرفتم. ژوزفین که چشمهایش در نور شمعها میدرخشید و تپسی بر لب داشت بطرف محراب رفت و جلوی تخت دو قلوئی سست راست محراب توقف کرد پرس هائی که دنباله شل او را بدست داشتند دست جلوی من بودند. من کردن کشیدم که ورود نابلتون را ببینم. ابتدا «کلرمن» تاج بزرگ امپراطوری وارد شد - مدناز او، «پرینون» باهضای امپراطوری و «لوفور» باشی شارلمانی. سپس ژان بائیت با گردن بند «لویون دونور» و پشت سر او «اودون دو بوآرته» و عاقبت «برتیه» و تالیران و زیر لنگ روا طخارجی ظاهر شدند. صدای اورکها بلندتر شد. «مارسی» ز دامنواختند نابلتون آهسته بطرف محراب رفت. ژوزف ولوئی دنباله شل فرمز را حمل میکردند. نابلتون کنار ژوزفین قرار گرفت. بردارن از و مارشالها پشت سر او صف بستند باپ از حار بر خاست و دعا خواند. دبر و اشاره ای به مارشال «کلرمن» کرد. کلرمن جلو آمد و تاج را بیاب تقدیم کرد. مثل اینکه تاج خیلی سنگین بود چون باپ آنرا بزحمت بادستهای ضعیف خود بلند کرد. در این موقع نابلتون شل فرمز را از شانه انداخت. مرادان او آنرا جمع کردند و بدست تالیران دادند صدای اورکها قطع شد. پاپ با صدای واضعی قومول تقدیس را خواند. سپس تاج را بلند کرد. اما نابلتون سر را خم نکرد. دستهای خود را بلند نکرد و تاج را گرفت و بر سر گذاشت. حضار تکلی خود کردند. نابلتون از مراسم تاجگذاری آنطور که مقرر شده بود تخطی کرده و خودش تاج بر سر گذاشته بود صدای اورکها دوباره بلند شد. «لوفور» ششیر شارلمانی را بطرف امپراطور دواز کرد، ژان بائیت حسابیل «لویون دونور» را بگردن او انداخت، «پرینون» صدای امپراطوری را بدست او داد و تالیران دو باره شل فرمز را بدوش او انداخت. امپراطور آهسته از بله های تخت خود بالا رفت ژوزف ولوئی که دنباله شل را بدست گرفته بودند در دو طرف تخت قرار گرفتند.

مایوس شاه با لامیانداخت. نابلتون پشت بانها داشت و خود را در آینه تماشا میکرد. باطراف چشمها چین انداخته بود مثل اینکه میخواست از دریچه چشم دیگری خود را ببیند. یاد آمد که میگفت: «تاج شاهی فرانسه بر زمین افتاده است. کافی است کسی خم شود و آنرا بردارد.» به، نابلتون خم شد و آنرا برداشت. منتظر چه هستیم دبر تو؟ صدای نابلتون حکایت از بی حوصلگی او میکرد. - علیحضرتا، قرار بود خانم مادر تان در پیشانی صف حرکت کند ولی... لونی گفت: - مادرمان نیامده است. شادی شیطننت آزمیزی در صدای او احساس میشد. نابلتون کاغذ پشت کاغذ برای مادرش به ایتالیا فرستاده و از او خواهش کرده بود که برای شرکت در مراسم تاج گذاری در پاریس حاضر شود. عاقبت مادام لسی سیا نتوانسته بود در مقابل اصرار او مقاومت کند. از پسرش لوسین که هنوز در تبعید است اجازه گرفته و بر آه افتاده بود. نابلتون با آرامی گفت: - خیلی مناسبم؛ ولی پیش از این نمیتوانم منتظر بشوم حرکت کنیم دبر تو صدای شیپورها بلند شد صاحبصنایان آهسته بطرف «نوردام» بر آه افتادند و خدمتگزاران کاخ امپراطوری بالاسهای سیز با آنها ملحق شدند. سپس نوبت دبر تو رسید تشریفات رسید پشت سرواشاره هسران مارشالها دو بدو بر آه افتادند. سپس «سرویه» و «مورا» بصرک آمدند. مورا تاج و زوزفین را حمل میکرد. بعد نوبت بین رسید. در محوطه جلوی کلیسای فوق العاده سرد زمستانی بسوتم نمود. من کوسنی که دستمال داتلر روی آن فراداشت بدست داشتم وقتی از جلوی جمعیت که مأمورین کار جلوی آنها صف بسته بودند گذشتم. چند صدای مفرق بلند شد: «زنماد بر نادوت! زنماد بر نادوت!» من چشم خود را به پشت بلوز زری دوزی مورا دوخته بودم. وقتی وارد کلیسا شدم صدای اورکها و بوی عود داشته افکارم را قطع کرد. وقتی باتهای کلیسا رسیدیم مورا ایستاد و کنار رفت و من محراب

همه اطراف آن طلاکاری شده و روی زمینه طلائی مدالهای برتری نصب شده بود که هر کدام علامت مخصوص یکی از ایالتها بود. روی سقف کالسه چهار عقاب بزرگ برتری و میان آنها یک تاج زرین دیده میشد. داخل کالسه با مخمل سبز پوشانده شده بود. هشت اسب تزیین شده آن جلوی کلیسا ایستادند. ماز اطاق خارج شده و در انتظار آنها بودند. امپراطور در گوشه راست کالسه نشسته بود. نابلتون لباس مخمل قرمزین داشت و وقتی از کالسه بیاه شد دیدم که شلوار کشاد و جورا بپای سفید که روی آنها سنگهای قیمتی نصب شده بود یادداشت. امپراطور که سمت چپ او نشسته بود از همیشه خوشگلتز شده بود. در حلقه های بچگانه زلفش لباسهای درشتی که من بمرم نظیر آنها ندیده بودم دیده میشد. باینکه بزرگ غلیظی کرده بود احساس کردم که از تبسم او جوانی میباید. این جوانی او از قلب جوانش بود. امپراطور با او ازدواج مذهبی کرده بود. ژوزفین دیگر نمیترسید. اما وقتی ژوزف ولوئی که کردی نیکت جلوی کالسه امپراطوری نشسته بودند از جلوی من گذشتند از تعجب دهانم باز ماند. هر دو لباس عجیب بدشکلی بن کرده بودند. سراپا لباس سفید برتن داشتند. حتی کفشهای آنها سفید بود. متوجه شدم که شکم ژوزف بیش آمده بود. دیگری از اطرافهای بزرگ میچاور کلیسا، نابلتون و ژوزفین شل های تاجگذاری را بدوش انداختند. ژوزفین در حالیکه لبها را بهم میفشرد سعی کرد از خم شدن کمرش زیر سنگینی بار شل سرخ جلوگیری کند و ژولی، اورتانسی، الیزا و بولت بوقم بکد او رسیدند و دنباله شل را بلند کردند. ژوزفین نفسی براحتی کشید. نابلتون با زحمت زیاد سعی میکرد یک جفت دستکش زردوزی شده را که انگشترهای ازم بخوبی باز نیشده بدست کند. نگاهش برای اولین بار با افتاد: نمیتوانم بر آه بقیتم!

دبر تو علامتهای خاصی معین کرده بود و ما منتظر بودیم که برای جا گرفتن در صف علامت بدهد. اما او با ژوزف آهسته صحبت میکرد و ژوزف باقیانه



مؤلف: اکون فصل سوم از نمایشنامه جدید خود را میخواند

### لذت و زحمت کار

بقیه از صفحه ۴

بهر از کسی که قبلا تصدیق آن بود، انجام دهم و هر وقت کاری را من می گفتم دیگر انجام میدادم، من می گویدم از او بهتر و بیشتر کار کنم، ولی به خاطر رضایت صاحب کار بلکه برای لذت بردن خودم از کار:

- ۱- کاری را که اطمینان نداشتیم بخوبی از عهدۀ آن برآیم، منی پذیرفتیم؛ ولی چنین چیزی کمتر اتفاق افتاد!
- ۲- از نخستین روز که شروع بکار کردم، کوشیدم رشته کاری را که پیش گرفته ام، عوض نکنم بلکه بآن علاقه روزافزون پیدا کنم.
- ۳- همیشه معتقد بوده ام که ترقی من مستلزم آنستکه کاری را که انجام میدهم، از همه جهت بشناسم و از تمام آنچه بوظیفه من مربوط می شود، مطلع باشم.
- ۴- از دیر باز ایمن داشتم که «اداره کردن کار» نیز فنی است که مانند سایر فنون باید آن را آموخت. امروز در تمام کارها و پیشه ها رقابت شدیدی حکم فرماید و برای اغلب کارها شیوه ها فنی و تدوین شده است که باید از آن آگاه بود و نباید کار را بطور ارتجالی و هرگونه که پیش آمد، اداره کرد. باید برمز آسان شدن کار آشنا شد و چه بسا که این رمزها را بوجود آورد.
- ۵- همیشه زودتر از موعد شروع کار با دانه رفتن و در برتر از وقت پایان آن دست از کار کشیده ام و این همواره عادت من بوده است، چه آن روز که سرپاکت باز میکردم و چه امروز که مدیرکل شرکت هستم!

### تازه ترین اخبار چینما

بقیه از صفحه ۴

پس او میگوید اما «جیس» که از وقوع این جریان بسیار ناراحت است و نه تنها برای ادامه کار موسیقی خود بکنسرتوار مراجعت نمیکند بلکه در اثر افراط در مشروب بیک نوع حالت جنون دچار میشود. «لوئیز» نیز برودنی بی میرسد که زندگانی «جیس» در اثر میخوارگی و روتباهی است لذا نزد او باز میگردد و برای اینکه قلب ظریف او را تسکین دهد بزورخ میروند و در آنجا در اثر تشویق لوئیز «جیس» یکسری کنسرت میدهد و شهرت کافی کسب میکند و اما...

فیلم رنگی «رابودی» از جمله فیلم های بسیار جالب توجه و خوب سالیهای اخیر است. داستان شیرین عشقی این فیلم کلاسیک توسط «روت» و «اکوستوس گوتز» نوشته شده و کارگردان آن «چارلز ویدور» معروف میباشد. این فیلم از نظر دارا بودن آهنگ های کلاسیک بسیار بااهمیت است و اغلب آهنگهای آن توسط «برونیسلا کایر» نوشته شده است و گذشته از آنها قطعه کنسرتی «دی. ماچور» اثر چایکوفسکی و همچنین کنسرت شماره ۲ در سی. مینور اثر «سرگی راشاتینوف» بطور کامل در فیلم «رابودی» شنیده میشود.

هنریشان فیلم رنگی «رابودی» و «ویکتور کاسین»، «الیزابت تیلور» «جان اریکسون» و «لونی کالهرن» میباشد و بدینست بداند که در این فیلم «میس» «تیلور» بیشتر از ۴ دست لباس میپوشد که همگی آنها لباسهای مستند که زنان شیک پوش و دختران زیبای جهان آرزو دارند نظیر آنها را فقط در خواب ببینند!

دولت مجوبی روی کار میآید و این دولت موفق به کشف مدارکی راجع به اغتشاشات شمال آفریقا میشود و موفق میگردد قدهای مثبتی بفتح مردم بردارد و سرانجام در این کشور میباید پیدا میشود که تقریباً تمام ملت فرانسه بوی میگردند و از او برای نجات و طشاندگی کمک میگیرند. در این ماه در امریکای جنوبی باز اغتشاشات و هیجانانی ظاهر میشود.



در این دو ماه یکی از رجال معروف دنیا در تاریخیات یا اشتباهی که راجع به کشور خویش میکند. بوطه بی آبروی افتاده و بناچار خودکشی میکند در این دو ماه بازرده بعضی از نقاط جهان مثل ژاپون، مدیترانه و جزایر اقیانوس اطلس آشفشانی هائی پیدا میشود و عده ای از مردم در اثر این آشفشانیها از بین میروند. ولی در وهله در این دو ماه نیز واقعه مهمی روی نمیدهد.

**مهر و آبان**  
در این دو ماه، بر اثر حادثه ای مجمع عمومی سازمان ملل متحد زودتر



از موعد مقرتشکیل میگردد و بابه های آن شدت متزلزل میگردد و در اروپا عده زیادی از دولتها گرد هم جمع شده و سیستم دفاعی جدیدی بوجود میآورند. بطوریکه گروه مذکور با آنچه فلا در اروپا وجود دارد فرق زیادی دارد. در این ایام از نوزمین لرزه های شدیدی در دنیا بوقوع می یونند که مخصوصاً قاره استرالیا آسیب زیادی خواهد دید. در این ماه یکی از محبوبترین و معروفترین ستاره های زیبای هالیوود بر اثر حادثه ای فوت میکند و چند نفر از معتبرین جهان بناگاه ناپدید میشوند.

### آذردوی



در این دو ماه بین عده زیادی از دول جهان دوستی و مصیبتی عجیب و باور نکردنی بوجود میآید بطوریکه تا آنروز هیچکس چنان سفا و مصیبتی را تصور هم نمی کرد. در کشور نروژ اتفاقی مهم می افتد و در کنگره بزرگ اغتشاشانی بطور غیرمترس، یکی از معروفترین زبردبای های جهان غرق میشود و چند حادثه و سانحه مهم هوائی بطور بیحد و بیپایانند بطوریکه یکی از رجال نظامی در یکی از این سوانح از بین میروند.

### حوادث در کشورهای گوناگون

ژنرال ایزنهاور تا قبل از زمستان امسال از ریاست جمهوری کنار رفته و انتخابات برای تعیین ریاست جمهوری خیلی زودتر از موعد مقرر در این کشور بوقوع میبیند و حزب دمکرات زمام امور را در دست میگیرد. دولت شوروی در آسیا و دولت امریکا در آفریقا نقش های عده ای بازی خواهند کرد. وضع انگلستان در مصر شیهه بوضع فرانسه در شمال آفریقا خواهد بود. مبارزه بین دو بلوک شدیدتر میگردد.

### انگلستان

انتونی ایدن مجبور بترك سیاستمداری و کرسی نخست وزیری خواهد شد در انگلستان حوادث رخ میدهد انتخابات جدیدی بوقوع میبیند و پرس چارلز ولیمدگوبار تخت شاهی خواهد نشست کلنل تاونز ندو باره بانگلستان مراجعت و مامور کانادا خواهد شد. علی خان ورتبالی ورتبعلت و جو دیاسن باهم میبوی خواهد کشت در اینسال آفاخان صد در صد ارفاقی را وداع خواهد گفت

### هندو چین

در این کشور وقایع بسیار جالبی رخ خواهد داد. نگو دین دیم نخست وزیر آن کشور متول خواهد کشت و برای تعیین نوع حکومت با عوام مردم مراجعه خواهد شد

### ایتالیا

پاپ بی دوازدهم فوت خواهد کرد و سراسر دنیای مسیحی غرق سیاه خواهد شد و تمام کلیسای جهان تا مدتی عزادار خواهند بود

### آرژانتین

برون شانس زیادی برای در دست گرفتن حکومت در این کشور دارد اما دوباره باو خیانت خواهد شد و در اثر همین خیانت جان خود را از دست خواهد داد.

### مصر

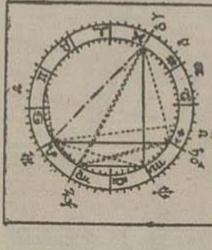
ژنرال محمد نجیب از نو در این کشور روی کار خواهد آمد. و کلنل عبدالناصر ریاست انگلیسها را مجاز خواهد شد.

## بک پیشگونی بیسافه در باره وقایع سال آینده آیدن و آیزنهاور از کار کناره گیری خواهند کرد آفاخان و پاپ پی دوازدهم دارفانی را وداع میگویند پرس چارلز بر تخت پادشاهی انگلستان جلوس میگردد ژنرال نجیب در مصر روی کار میآید در بعضی نقاط جهان اغتشاشاتی بوقوع میبیند آزمایشهای اتمی هوای دنیا را مسموم میکنند...

تاکنون بسیاری از ستاره شناسان و متجربین معروف جهان پیشگوییهای در باره وضع عمومی دنیا در سال آتی انتشار داده اند که بعضی از آن پیشگوییها در صفحات اول چاپ دنیا منعکس شده است. اما بدون شك با اهمیت ترین پیشگویی های سال جاری، پیشگویی ستاره شناس معروف «ژان وپور» میباشد. اهمیت پیشگویی «ژان وپور» بیشتر از این قطعه نظر است که علاوه بر آنکه قمتهایی از آن تاکنون صورت تحقق یافته است، منجم مزبور، تاریخ پیشگوییهای خود را نیز ذکر کرده و این پیشگویی منضم تاریخ وقوع تاکنون کم نظیر بوده است.

«ژان وپور» تقریباً در سراسر اروپا اشتهار وافر دارد و سال گذشته استقامتی چریل، سوط ادگار فو، مراجعت این یوسف و بسیاری وقایع دیگر را پیش بینی کرده بود.

اینک پیشگوییهای وی در مورد وقایع مهم سالی که در پیش است...



در امریکای جنوبی چندین انقلاب و شورش بوقوع میبیند و یکی از معروفترین شخصیت های جهان در یک سانحه هوائی از بین میروند. در همین ایام



ناوگان شوروی موفق به عبور از دادا نل میشود. در اروپا بک بحران اقتصادی شدیدی ظاهر میگردد. در بعضی از کشورها بیکه از لحاظ مالی جزو انگلوسا کسونا هستند توم پول پیدا میشود. در این ایام از نود روز نو کفرانی دیگری برای ایجاد صلح برپا میشود ولی نتیجه زیادی از آن حاصل نمیکردد. این را هم بدانید که در چندین روزهای در داخل کشور انگلستان آشوبها و اغتشاشاتی بوجود میآید و تغییراتی در دولت ظاهر میگردد.



**آزادی و خرداد**  
از نوزدهم آزادی و بیست تائیس و نهم خرداد زمین لرزه های شدیدی در دنیا پیدا میشود و شهر سانفرانسیسکو بشدت تهدید خواهد شد. در ایتالیا و



یونان نیز خساراتی نسبتاً مهم بوقوع میبیند. کوه و زو و از نو شروع به آشفشانی میکند. جزر و مد های شدیدی در ایسلاند، نورماندی، کرس بوجود میآید. بر اثر امواج بسیار قوی الکتریکی در هوا بیشتر دستگاه های الکتریکی و راداری بشرفیر منظم و مختل خواهند شد.

### تیرماه



در این ماه در وضع دنیا آرامش مختصری ظاهر میشود. چند نفر نابغه جدید در ریاضیات و نجوم و معروف میشوند و در زمان بعضی از امراض مثل سرطان، جنون و باردی در مرحله بسیار نوحی میشود. در آفریقای شمالی از نو انقلاباتی شدید بوجود میآید.



در جزیره ماداگاسکار حوادث ناراحت کننده ای پیدا میشود بطوریکه دولت فرانسه مجبور خواهد شد سستی از وقت و نیروهای خود را نیز در باره آن جزیره مصرف نماید. شایع مردم این جزیره نیز برای تحصیل استقلال دست بافد اماتی بزنند.

### مرداد ماه

در ناحیه «کواچ» از متصرفات دولت برتقال در هند واقعه خونینی بوقوع میبیند و بعلت همین امر در برتقال بحران سیاسی شدیدی ظاهر می شود. بطوریکه مردم دست بنظواهرات و اقداماتی میزنند و چون دولت وقت موفق بفرود نشاندن آنها نمیشود لذا مردم سرانجام موفق شده در رئیس جمهوری را تغییر میدهند.



یکی زدا نشاندن یونانی با ایتالیایی موفق بکشف فون اعاده مهمی در در آید و بطوریکه وی بکسر به در طرف دوسه روز پیشرونی فوق تصور میسند در این امر در ایام اطراف خورنید. تازه جدیدی در این ماه کشف میآید در ایام



### بهمن ماه ...

درین ماه در باره ای از نقاط جهان سرمای شدیدی ظاهر خواهد شد. تا قبل از بیست و پنجم این ماه در بعضی از نقاط اقیانوس اطلس طوفانهای ظاهر میشود. بحران سیاسی فرانسه در این ماه پایان نمیرسد و شخص دیگری که نه مندس فرانسه و نه ادگار فو است بر ریاست وزراتی

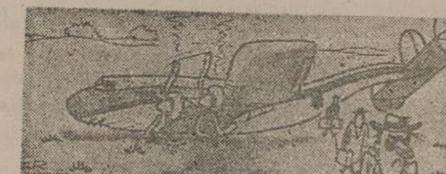


فرانسه میرسد (این پیشگویی یازده روز قبل از انتخاب «کی موله» نخست وزیر جدید فرانسه گفته شده و ملاحظه میکنید که کاملاً صحیح از آب درآمد است). دولت جدید فرانسه بزودی سقوط کرده و حکومت دیگری روی کار خواهد آمد. مسئله مالک شمال آفریقا بهمان قسم باقی میماند ولی در



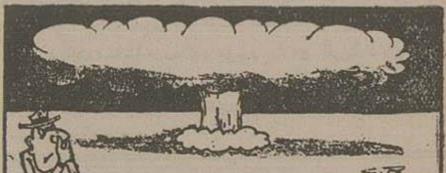
مصر، آسیایا و فرانسه تا قبل از پایان ماه بهمن هیجانان و اغتشاشاتی رخ میدهد. در همین ماه بین فرانسه و یکی از دول قطع رابطه خواهد شد.

### اسفند ماه ...



در این ماه تصادف های گوناگون و سوانح بسیار هوائی ظاهر میشود کفرانسی برای خلع سلاح دول بزرگ تشکیل میگردد و نتیجه ای از آن حاصل نمیشود. از خطر روسیه شوروی برای ایجاد جنگ کاسته میشود زیرا در این ماه یکی از رجال شوروی اعدام شده و یکی از بزرگترین سیاستمداران آنجا خودکشی و با بزرگ ناکهائی از بین میروند و پس از آن سیاسی شیهه سیاست استالیانی در روسیه پیدا میشود ولی بهیچوجه از جنگ عالمگیر خبری نخواهد شد.

### اواخر اسفند و اوایل فروردین ...

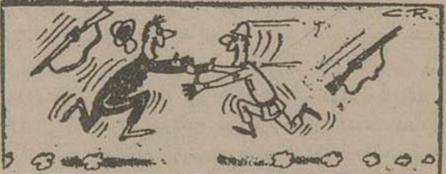


در این مدت سلاحهای اتمی باشدت زیادی بکار خواهد افتاد و از بس دول بزرگ یعنی روسیه، امریکا و انگلستان دست به آزمایشات اتمی میزنند



هوای جواز شدت رادیو آکتیویته مسموم خواهد شد و اختلالات جوی بسیار شدیدی ظاهر میگردد و در اروپا، آسیای جنوبی طوفانهای بسیار شدیدی که تا بحال بشر کمتر نظیر آنها دیده بوقوع می یونند. در دنیا مرض جدیدی که با تلفات همراه خواهد بود پیدا میشود. بعضی از نقاط دنیا آفراط خواهد گرفت بطوریکه عده ای صدمه زیادی خواهند دید.

### فروردین و اردیبهشت



در این دو ماه بین سوریه و اسرائیل بطور موقت قرارداد صلح بسته میشود ولی دولت مصر حاضر بصلح با اسرائیل نمیشود. در شمال اروپا طوفانها و طوفانهای زیادی در سواحل دریاها پیدا میروند و عده ای بزمین جوت از بین میروند.



قبل از محاکمه دومین دست فداکاران اسلام انجام شود و بطور حتم محاکمه متهمین بعمارت در قتل رزم آداس باشد...

اطلاعات جالبی

بقیه از صفحه ۱

در ضمن کلیه رانندگان و کولر رانندگان می توانند در مقابل دریافت دستنزد معین که بعداً میزان آن تعیین می شود در این شرکت جدید التاسیس کار کنند...

مقام مزبور سپس گفت: بطور کلی امور نقلیه و عبور و مرور در شهر تهران که سابقاً بوسیله مأمورین اداره راهنمایی و رانندگی رسیدگی میشد از این پس باید که مأمورین کلانتری های شهر و مأمورین مربوطه در تمام معابر اداره خواهند شد و همچنین کلانتری های شهر تهران می توانند متخلفین از مقررات عبور و مرور تحت تعقیب قرار داده و در دادگاه های کلانتری های مربوطه بتخلفشان رسیدگی نمایند...

این مرد محروم

بقیه از صفحه ۱

مادرش که درهای امید را بروی خود بسته دید، حاضر شده که در یکی از بنگاهها بعنوان دربان استخدام شود تا بتواند خرج خود و فرزندش را فراهم سازد...

گاردانهای فنی

در مورد جلوگیری از انهداد مابرو سرعت در محل معاینه تصادفات همین مقام گفت: از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۰ شب در کلانتریهای ۲ و ۳ و ۶ و چهار نفر کاردان فنی آماده خدمت میباشند...

آمریکائی کروال

یکدیگر از زندانیان که ۳۵ سال از عمرش میگذشت بنام ابراهیم شعبان از اهالی همدان می گفت من در زندان اودال با زداشت بودم و کار اجباری میکردم در زندان ما از همه ملیتها زندانی بودند آلمانی ژاپنی و انگلیسی و آمریکائی و تبه آمریکا فقط دو نفر بود. یکی جاق و دیگری لاغر...

خرید دو چرخه

در خانه مقام مزبور اضافه کرد که کلیه مأمورین کلانتریها با دو چرخه که وسیله سیکتری است مجهز خواهند شد...

میت آداس و تیار

این است شرح حال پسر درباری که اخیراً کابینه فرانسه را تشکیل داد ولی آیا موفق خواهد شد یا باسج این سوال را آینده خواهد داد...

میلاد حضرت صدیقه کبری

امروز مصادف بود با روز ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بدین مناسبت دیشب و امروز در جماعت مذهبی مراسمی منعقد بود...

هدهای از زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه ۱

انسانی که دچار این دگرگونی بزرگ شده اند ناپاشنامه بیان را بوجود آورده و هدهای از آنها نیز در نظر دارند روزنامه عبرت رادایر کند...

خطرات زندان میمپوری

بقیه از صفحه ۱ بود که یک افسر قراری شوری به قزوین آمده و در آن شهر مخفی شده است بدینجهت نمیدانم چه شباهتی بین من و آن افسر فرادی روس وجود داشته که مأمورین مخفی بین مظنون شدند و تبه شب بمنزل ریختند...

استادان آذربایجان برای

بقیه از صفحه ۱ بدولت بدلیلی خودداری نموده است همین مقام اضافه کرد که البته در هنگام توقف آقای گلشایان در تهران راجع بچگونگی جریان انتخابات در آذربایجان مذاکره خواهد شد اما علت حقیقی مسافرت آقای گلشایان فقط مذاکره درباره غله آن استان میباشد...

انتخابات تهران

درباره شروع انتخابات مجلس شورای ملی در تهران مقام مزبور اظهار داشت که مقدمات این کار تا اندازه ای فراهم شده و مطالبات فرمانداری تهران برای دعوت از ۳۶ نفر منتخبین طبقات تشکله مردم پایان یافته است اما تأخیر در انجام این دعوت عللی دارد که بزودی مرتفع خواهد شد و احتمالاً بیروند ماه آینده مقدمات اخذ برای تهران و حومه آغاز گردد...

شایعه بی اساس

در هفته گذشته شایعه شده بود که بدستور وزارت کشور انتخابات در بعضی نقاط متوقف نگذاشته شده است...

سناقور والتر جرج کفرانس

واشنگتن - آسوشیته برس. اعضای مجلس سنای آمریکا وابسته بدو حزب دموکرات و جمهوریخواه کفرانس سه روزه ایند اینزناور را مورد تحسین قرار داده و آنرا نمونه همکاری دودستی مینندد که در کشور خوانند...

شماره چهارم از سال سیزدهم

مجله دانشکده پزشکی

حاوی مطالب زیر انتشار یافت:

چهارمین مورد از همرا فردیسم حقیقی طرفی در دنیا از دکتر جهاننشاء صالح و دکتر جواد غفورزاده - بررسی های بیشتری در خصوص آزمایش نیوت کلمبان تغییر یافته (ام.سی.اف) برای تشخیص سفیلیس از دکتر میردامادی - شرح حال دو بیمار مبتلابیضاری مادرزادی سیانوزن قلب از پر فوسر عدل و دکتر هادی نیل - یک مورد تترالوژی فالوک در ایران عمل شده است از پر فوسر عدل و دکتر هدل و دکتر محمد تقی قوامیان - هیپرکلترولی و آترواسکلروزیس از دکتر سیف الدین نبوی - هیپرکلترولی و آترواسکلروزیس زرد ایرانیان از دکتر سیف الدین نبوی - پالین بیضاریه باید که از دکتر سیب محمد جزایری (اهواز) - برش و باسج - اینجم چشم پزشکی ایران - مجمع پزشکان کودکان - کتب نوین پزشکی - آیین نامه دوره تخصصی میامپهای گوش کلو و بینی و برنو از فاکولتی - اخبار دانشکده پزشکی - جزوه چهارم از کتاب شلیس (از صفحه ۴۷۳ - ۴۸۰) وجه اشتراک سالیانه مجله (دهشماره) یکصد و بیست ریال و قبلا دریافت میشود. داوطلبان اشتراک هم روز بعد از ظهر بدانشکده پزشکی دفتر مجله - مراجعه نمایند. - ۲۴۹۶۵ - مدیر مجله دانشکده پزشکی - دکتر محمد باقری

حوادث

مردی با تیغ سلطانی گلولی همسرش را برید

حاج محمد تقی که برای خرید بازار رفته بود جلوی مغازه ای قشش زمین شد و آنرا در گذشت گاز چاه یک مفتی را خفه کرد کارگر نانوائی زیر اتومبیل رفت

بربروز درملی آبادگرگان حادثه عجیبی اتفاق افتاد روزی بدست شوهرش بقتل رسید.

جریان امر از این قرار بود که مردی موسوم به محمد از مدتی قبل برن خود مریم سوء ظن داشت و سرانجام براتر همان سوءظن تصمیم بقتل مریم گرفته و تبه شب هنگامیکه زن بیچاره در بستر خوابیده بود با تیغ سلطانی برندهای که روز قبل تبه کرده بود بسوی او حمله ور شد و قبل از اینکه مریم بتواند از خود دفاع کند سر او را برید.

صبح روز بعد همایان جسد خون آلود مریم را در بسترش یافتند و جریان را با اطلاع مأمورین رسانیدند و محده که پس از انجام قتل از تاریکی شب استفاده کرده و فرار نموده بود بوسیله مأمورین دستگیر و روانه زندان گردید.

اکنون بر رفته این جنایت فجیع تحت تعقیب است.

تصادف با اتومبیل

رجبعلی کارگر یکی از نانوائیهای خیابان مولوی امروز صبح متوجه از منزل پسر کلاش میرفت با کامیون بارکش شهری که از آن حدود سرعت عبور میکرد تصادم نمود و سستی مجروح شد و برادر حلالیکه از هوش رفته بود برای معالجه به بیمارستان سینا بردند ولی معالجات مفید واقع نشد و درگذشت راننده که متواری گردیده بود توسط مأمورین دستگیر گردید و قضیه از طرف دادسرا تحت تعقیب قرار گرفت.

در بازار فوت کرد

دیروز عصر شخصی بنام حاجی محمد تقی که از خراسان بطهران آمده بود موقتیکیه برای خرید بازار رفته بود ناگهان در مقابل یکی از مغازه ها نقش بر زمین گردید و وقتی پزشک بر بالین او حاضر شد اظهار داشت که یک ربع قبل فوت نموده است جنازه با داره پزشکی قانونی انتقال یافت و پزشک قانونی پس از معاینه علت مرگ را سکنه قلبی نظرداد.

گاز چاه

هوش علی دو روز قبل در یکی از باغات واقع در قلهک مشغول پاک کردن چاه حمام بود در پیرو بهد از ظهر وقتی وارد چاه شد در اثر عین بودن چاه دم کشیده ای او را گرفت و فوت نمود.

جنازه عوضلی توسط مأمورین اجزاء بیرون آورده شد و پس از ترسیفات قانونی بجا سپرده شد.

سناقور والتر جرج کفرانس

واشنگتن - آسوشیته برس. اعضای مجلس سنای آمریکا وابسته بدو حزب دموکرات و جمهوریخواه کفرانس سه روزه ایند اینزناور را مورد تحسین قرار داده و آنرا نمونه همکاری دودستی مینندد که در کشور خوانند...

خانواده های افسران عضو سازمان

نظامی حزب توده

از زحمات فرماندار نظامی تشکر کردند



ساعتش بعد از ظهر روز گذشته، طی مراسمی که در فرمانداری نظامی صورت گرفت، خانواده های افسران محکوم بعنوان قدردانی از زحمات تیسار سرتیپ بختیار فرماندار نظامی تهران و سرهنگ مبعس رئیس ستاد فرمانداری و سرگرد کلاسی رئیس زندان افسران و سرگرد خشایار چهار سید گل با ایشان اهداء کردند.

تیسار سرتیپ بختیار در پاسخ اظهارات خانواده های افسران محکوم، طی نطقی آنان را به مرام ملوکانه درباره زندانیان عفو و بخشودگی آنها امیدوار ساخت.

سپس یکی از افسران عضو سازمان نظامی حزب منحل توده از مقامات فرمانداری نظامی و همچنین زحمات خانواده های افسران تشکر کرد و در خانه از طرف تیسار بختیار یک چرخ خیاطی بغلام سروان قاسملوک در ناپاشنامه بیان شرکت کرده بود اهداء کردند.

همچنین خانم سروان قاسملوک یک کلدان نقره از طرف خانواده های افسران محکوم دریافت داشت.

در محافل میمپاسی تهران شایع است

بقیه از صفحه ۱ جدی بخود گرفته بود و بهین جهت آقای حائری زاده در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در مجلس حاضر شد و به نایب رئیس مجلس شورای ملی اطلاع داد که در منزل استراحت میکند.

این استراحت مصلحتی بقیده محافل پارلمانی برای کمک بوجود آمدن معیض آرام و هموار نبودن راه مذاکرات مسالمت آمیزی است که اخیراً برای جلوگیری از تقدیم لایحه سلب مصونیت حائری زاده آغاز شده است.

مقامات مطلع قضائی ارتش هنوز عقیده دارند که اتهامات وارده به آقای حائری زاده در موضوع قتل مرحوم رزم آرا و اعتراضاتی که نواب صفوی علیه ایشان کرده است بقدری مستدل و قوی است که ایجاد میکند لایحه سلب مصونیت از مشاغل هر چه زودتر تقدیم مجلس شود ولی از طرف دیگر منتقدین مجلس شورای ملی میگویند که این امر چاه عمل بخود نبوده و حائری زاده از اتهامات برکنار بیاند.

فعالیت این نمایندگان موجب شده که دو بار از تعلق شدیدی که حائری زاده میخواست در مجلس ایراد کند جلوگیری بعمل آمده و ضمناً تسلیم لایحه سلب مصونیت نیز که در اوایل هفته گذشته بنظر باره ای از مظلمین قلمی و مسلم بنظر میرسد بعهده تأخیر افتد.

در مقابل این شایعات محافل قضائی ارتش کماکان بوظایف خود عمل نموده و پرونده معاونین قتل رزم آرا را که بازداشت شدگان اخیر متهمین آن هستند دنبال میکنند و معتقدند که بروی کیفرخواست دادستان علیه آنها صادر و تسلیم دادگاه خواهد شد.

در اینجهت با آزاد شدن آقایان مکی و عبدالقادر آزاد کسانی که برای جلب مساعدت مقامات مؤثر برای آزادی آقای کاشانی مشغول مذاکره هستند میگویند تلاش آنها در این مورد نیز ممکن است مؤثر واقع شده و آقای کاشانی بایند التزام و با سیردن این تمهید که در منزل خود تحت نظر باشد و از حوزة قضائی تهران خارج نگردد از زندان رهایی یابد.

بدیهی است مقامات رسمی این شایعات و گفتگوها را تأیید نکرده و عقیده دارند نشایه آزادی کاشانی را هنوز نمیتوان بر اساس محکم استوار دانست.

مذاکرات سه جانبه در خاورمیانه

بقیه از صفحه ۱

یکی از اقداماتی که سران دو دولت پیشنهاد کردند توسعه و تقویت کمیسیون نظارت و آشتی ملل متحد در مرزهای اسرائیل و عرب بود.

بطوری که گزارش می دهند مفهوم این پیشنهاد این نیست که نیروهای نظامی به فلسطین اعزام شود بلکه منظور اینست که تعداد بیشتری از ناظرین در اختیار ژنرال برنزیس کمیسیون مزبور گذاشته شود تا اینکه خطوط ترک مخصوصه به فلا موقیت حساس بخود گرفته است بطور دقیق تحت نظارت قرار گیرد.

اقدامات دیگری که امکان دارد از طرف سازمان ملل متحد یا خارج از سازمان در صورت بروز جنک دامنه دار در خاورمیانه بعمل آید عبارتست از مداخله نظامی - محاصره دریائی و مجازات ها و محدودیت های اقتصادی و مالی.

ولی محافل امریکائی تذکر دادند که هدف اصلی مذاکرات سه جانبه اینست که از اقدام هر ملتی در آن منطقه در بکار بردن قوه قهریه جلوگیری بعمل آید. منظور اینستکه طرفین بدانند که اگر هر کدام از آنها اصول ترک مخصوصه را نقض کند اینکار بضرر مهاجم تمام خواهد شد.

« بیابنه مشترک واشنگتن » نیز اشعار می دهد که اجتناع ملل آزاد جهان بایستی قدرت خود را که برای جلوگیری از تجاوز ضرورت دارد حفظ کند.

ضمناً تذکر داده شده که این حقیقت که سران شوروی تاکنون ملت های خود را تحت فشار قرار داده اند تا به ماشین دیکتاتور دولتی خدمت کنند بنبوی نشان میدهد که سران دولت مزبور ناچه حد به حقوق و آمال ملل خارج از دنیای شوروی بی علاقه میباشد.

بیابنه مزبور تفاوت فاحش میان شوروی و سوابق دنیای غرب در پشتیبانی از استقلال و حاکمیت ملل را تأکید میکند.

مقامات رسمی مذاکره شده اند که قسمتی از این سوابق مربوط به امور اقتصادی است که در این زمینه برنامه های کمک مالی و فنی ملل غربی به کشورهایی که جدیداً شروع به توسعه امور خود نموده اند کمک بکار خواهد آمد.